

علمی پژوهشی

راهبرد ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا: مطالعه موردی بحران سوریه

محمدباقر حشمت زاده^۱، حمیدرضا حمیدفر^{۲*}، یاسر قائمی^۳

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
^۳ کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

 10.22080/jpir.2021.19720.1145

چکیده

نوشتار حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که ابزار دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در تدوین راهبرد ایران و ترکیه در قبال سوریه و تحولات آن از چه جایگاهی برخوردار است؟ فرضیه برای پاسخ به این پرسش عبارت است از این‌که ایران همواره ابزار دیپلماسی عمومی مبتنی بر قدرت نرم را در راهبرد خود در قبال سوریه حفظ نموده است؛ اما ترکیه از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۱ دیپلماسی عمومی مبتنی بر قدرت نرم خود را در قبال سوریه حفظ نمود اما با شروع تحولات سوریه رفته رفته راهبرد سوریه به سمت استراتژی قدرت سخت بازگشت. زیرا ترکیه براساس دکترین نوعثمانی‌گرایی به دنبال گسترش عمق استراتژیک خود در منطقه بود و تحولات سوریه ترکیه را برای دستیابی به این هدف با حاکم نمودن اخوان المسلمین در سوریه و گسترش محور اخوانی ترغیب نمود. لذا ترکیه در تحولات سوریه در برابر دولت اسد قرار گرفت و طبیعی بود که راهبرد سیاست خارجی این کشور از قدرت نرم به قدرت سخت تغییر شکل دهد. اما ایران به دنبال حفظ جایگاه خود در منطقه و سوریه است لذا همواره حمایت خود را از دولت و ملت سوریه ابراز داشته است و دیپلماسی عمومی در راهبرد ایران در قبال سوریه تداوم داشته است. لذا تحولات سوریه بر روابط ایران و ترکیه نیز تأثیر منفی گذاشته است. در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و به منظور تدقیق و نظام‌مند کردن یافته‌های پژوهش، از مفهوم دیپلماسی عمومی بهره‌گیری شده است.

تاریخ دریافت:

۲۱ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:

۲۵ فروردین ۱۴۰۰

تاریخ انتشار:

Click or tap here to enter text.

کلیدواژه‌ها:

بحران سوریه، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی ترکیه

* نویسنده مسئول: حمیدرضا حمیدفر

آدرس: دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
ایمیل: hamid.hamidfar20@gmail.com
تلفن: Click or tap here to enter text.

۱ مقدمه

غرب آسیا، سرزمینی پر از تلاطم و تعارض و در حال تحول که دو قدرت منطقه یعنی ایران و ترکیه هردو در پی تأثیرگذاری بر افکار عمومی و رقابت در آن هستند. یکی از عرصه‌های رقابت نرم و فرهنگی ایران و ترکیه در سوریه یعنی جایی است که سال‌های اخیر در پی تحولات عربی و ظهور داعش دچار تغییرات و نابسامانی‌های بسیاری شده است. ایران سوریه را کشور دوست و متحد استراتژیک خود در منطقه غرب آسیا می‌داند و بر روابط و تعامل نزدیک و محکم با این کشور تأکید بسیار دارد و بر هرگونه تحول در این کشور بسیار حساس است. ترکیه از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روابط نزدیکی را با سوریه آغاز کرده است که این روابط از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ یعنی تا آغاز تحولات عربی به اوج خود رسید. با شروع تحولاتی که از سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ خاک سوریه را فرا گرفت روابط ایران و ترکیه با سوریه دچار دگرگونی‌های فراوانی شد به طوری که حضور و فعالیت ایران در سوریه بسیار عمیق‌تر شده و در حوزه‌های مختلف سخت و نرم با یکدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند و در مقابل روابط ترکیه با سوریه بسیار کمرنگ شد و با یک چرخش کامل تا حد درگیری مستقیم نظامی پیش رفت.

دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، شکل‌گیری نفوذ و قدرت از جانب یک دولت با رویکرد ویژه خود در میان مردمان یک سرزمین از طریق ایجاد ذهنیت مطلوب، تصویر مناسب و جلب افکار عمومی است. دارایی‌های فرهنگی ترکیه و ایران باعث شده است که آنها قدرت‌های مهم منطقه برای ثبات منطقه باشند. نه تنها قدرت سخت، بلکه قدرت نرم ترکیه و ایران نیز در توازن قدرت منطقه تأثیر گذاشته است. در این زمینه، سیاست‌های فرهنگی، توانایی‌های رسانه‌ای و شیوه‌های ارتباطات ترکیه و ایران، که می‌توان آن را دیپلماسی عمومی نامید، برای قدرت نرم آنها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی کاملاً قابل توجه است. تهران و آنکار همواره تلاش داشته‌اند قدرت و نفوذ خود را در منطقه به طریق

مختلف از جمله با استفاده از دیپلماسی عمومی و قدرت نرم به حداکثر برسانند. از جمله حوزه‌های رقابت ایران و ترکیه در عرصه دیپلماسی عمومی، سوریه است که در پژوهش حاضر به واکاوی، مقایسه قدرت نرم و دیپلماسی عمومی این دو کشور در سوریه می‌پردازیم.

۲ چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

مفهوم قدرت نرم یکی از مفاهیم جدیدی است که در فضای سیاسی توسعه پیدا کرده است و در آن بازیگران سیاسی بدون استفاده مستقیم از نیروی نظامی، از ابزارها و روش‌هایی به منظور نفوذ بر دیگران استفاده می‌کنند. قدرت نرم یک نوع از قدرت است که توسط یک دولت در سیاست خارجی جهت پایه‌گذاری یک چارچوب گسترده از الگوهای فرهنگی و رفتارها استفاده می‌شود (Gallarotti, 20: 2011). جوزف نای قدرت نرم را «توانایی رسیدن به آنچه که می‌خواهید از طریق جذابیت به جای اعمال اجبار یا پرداخت پول»، تعریف می‌کند و «منابع قدرت نرم جذابیت‌های فرهنگ، ایده‌آل‌های سیاسی و سیاست‌های کشور است». قدرت نرم بر جذابیت و نه اجبار متمرکز است (Keohane and Nye 1998: 86).

قدرت نرم در مقابل قدرت سخت قرار می‌گیرد. مفهوم قدرت سخت به قدرت نظامی و عناصری از قدرت اقتصادی اطلاق می‌شود. ترکیب قدرت سخت و نرم در صورتی که مکمل هم باشند می‌تواند بسیار مفید واقع شود. دو تعریف موسع و محدود از قدرت نرم وجود دارد: در معنای وسیع قدرت نرم مترادف با قدرت غیر نظامی است که شامل قدرت فرهنگی و اقتصادی می‌شود اما در معنای محدود قدرت نرم نفوذ فرهنگی تعریف می‌شود. دیدگاه‌های سنتی که در میان اندیشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل رایج بوده دیدگاه‌های رئالیستی است. رئالیست‌ها به قدرت سخت گرایش دارند و معتقدند که برای نفوذ بر دیگر ملت‌ها و دستیابی به اهداف باید منابع

ارتباط با مردمان خارج از مرزهای جغرافیایی آن کشور. با این تعریف دایره شمولیت این اصطلاح مسائلی از قبیل اعزام دانشجویان به خارج، پذیرش و دادن بورس‌های تحصیلی، اعزام خبرنگار، فرایند ارتباطات میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری و همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و پخش برنامه‌ها صوتی و تصویری و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی، همه و همه در حوزه دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرند (Wolf and Rosen, 2004).

دیپلماسی عمومی به نحو مطلوبی ارتباط با مردمان جهان خارج جهت تأثیرگذاری بر افکارشان است، به شیوه‌ای که هم برای ما و هم برای آنها مفید باشد. هدف این است که رفتار یک دولت خارجی از طریق شهروندان تحت نفوذ گرفته شود، بنابراین هدف افراد است نه حکومت‌ها و این کار هم از طریق پیام‌های حکومت به مردم و فعالیت بخش خصوصی انجام می‌گیرد. دیپلماسی عمومی حوزه‌های اطلاعات، آموزش و فرهنگ را در بر می‌گیرد (Malone, 1998: 7-8). دیپلماسی عمومی یا مردمی به هرگونه فعالیت و تلاش برای برقراری ارتباط با افکار عمومی و انتقال پیام، با هدف دستیابی به اهداف مشخص اطلاق می‌شود. نقش و اهمیت تدوین پیام‌های کاربردی و مسیر آن برای انتقال قدرت نرم روشن است. پیام‌های بازیگران عرصه دیپلماسی عمومی بر اساس اهداف، چالش‌ها و تهدیدات تنظیم می‌شود و در صورت انتقال صحیح و قابلیت ماندگاری در کشور هدف قادر به ایجاد گفتمان مطلوب و یا تغییر یک گفتمان موجود هستند. اهداف دیپلماسی عمومی نیز دامنه وسیعی از ارتقاء وجهه، تامین منافع ملی و اشاعه ارزش‌ها و هنجارها تا تخریب چهره حکومت یک کشور را شامل می‌شود. در نهایت می‌توان گفت: با استفاده از مبان، منابع و تعاریف قدرت نرم در نظر جوزف نای، می‌توان منابع و قابلیت‌های قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در سوریه تبیین می‌گردد.

مادی قدرت مورد استفاده قرار گیرد (Vuving, 2009:3-4).

قدرت نرم به دلیل ماهیت جهان کنونی و پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در آن از اهمیت بیشتری برخوردار شده است و مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. جوزف نای بیان می‌کند قدرت نرم جلب کردن مردم به جای اجبار آنها است و قدرت نرم را مفیدتر از قدرت سخت می‌داند به این دلیل که جذب بسیار ارزانتر و کارا تر از اجبار است (Nye, 2004: 62). در کنار مفهوم قدرت نرم لازم است نگاهی هم به دیپلماسی عمومی به عنوان یک مفهوم در این راستا با زیر مجموعه قدرت نرم داشته باشیم، به دلیل اینکه تکیه پژوهش حاضر بر مفهوم دیپلماسی عمومی و گزاره‌های آن است.

دیپلماسی در صد سال گذشته تغییرات بنیادین داشته است. تحول در دیپلماسی سنتی که خیلی‌ها ماهیت محرمانه (دیپلماسی بسته - بازیگران محدود) آن را عامل بروز جنگ جهانی اول می‌دانند، به ظهور دیپلماسی نوین (دیپلماسی - باز تعدد بازیگران چندوجهی) انجامید که مشخصه اصلی دیپلماسی نیمه دوم قرن بیستم است. ظهور دیپلماسی عمومی می‌تواند حاصل تغییر دیپلماسی سنتی به دیپلماسی مدرن باشد. در حالی که مفهوم ایجاد چهره مثبت در دیپلماسی عمومی برای چندین قرن پهلو به پهلو دیپلماسی سنتی ایجاد شده، اما دیپلماسی عمومی اخیراً به عنوان یک ابزار تأثیرگذار از حالت پیرامونی در آمده و برای تعامل با افکار عمومی خارجی و سازمان‌های غیردولتی برون مرزی به منظور نیل به منافع ملی در دنیای تحول یافته به کار می‌رود (پرویزی، ۱۳۹۲: ۱۰۴۰).

عبارت دیپلماسی عمومی در مطالعات روابط بین‌الملل اصطلاحی است که از دهه ۱۹۶۰ عمدتاً برای توصیف ویژگی جدید دیپلماسی بین‌المللی رایج شد. این اصطلاح که نخستین بار توسط ادmond گولینون در دانشگاه تافنر بکار گرفته شد، عبارتند از: ارتباطات معطوف به منافع ملی یک کشور از طریق

۲.۱ دیپلماسی عمومی ایران در سوریه

روابط ایران و سوریه از سال ۱۹۴۶ (استقلال سوریه) تا اواخر دهه ۱۹۷۰ (انقلاب اسلامی ایران) خصمانه بود. در این دوره ایران در بلوک غرب قرار داشت و روابط نزدیکی با اسرائیل و آمریکا برقرار کرده بود؛ لذا مخالف سیاست‌های ضداسرائیلی و شوروی‌گرایی سوریه بود (Gelbart, 2010: 37). اما به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، حافظ اسد طی پیامی به مقامات ایران این پیروزی را تبریک گفت و مراتب حمایت و علاقه‌مندی خود را نسبت به انقلاب اسلامی ایران بیان نمود. بروز چند عامل مهم در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس علاقه‌مندی سوریه را به ایران بیشتر کرد. گسترش فعالیت نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس در چارچوب عقد توافق‌نامه‌های نظامی این کشور با عربستان سعودی به منظور تأسیس چندین پایگاه نظامی در این منطقه و همچنین خروج رژیم مصر از صحنه جهان عرب به دنبال عقد معاهده کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸، سوریه را به حمایت از انقلاب اسلامی ایران ترغیب نمود و دمشق پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را به عنوان جایگزین مهم خروج رژیم مصر از کشمکش اعراب و اسرائیل دانسته و آن را مورد حمایت قرار داد (کتاب سبز سوریه، ۱۳۷۸: ۱۳۷). ایران اسلامی نیز با توجه به ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی که در حمایت از مستضعفان جهان و ارتباط با کشورهای جهان سوم خلاصه می‌شود در مقابل از این فرصت حسن روابط دولت سوریه استفاده کرده و تلاش خود را برای ایجاد ارتباط و نفوذ در سوریه و گسترش روابط با این دولت استراتژیک در منطقه، جهان اسلام و جهان سوم آغاز کرده و تمام توان دیپلماسی عمومی خود را در این جهت به کار برده است. به طور کلی، دیپلماسی عمومی ایران در سوریه را می‌توان در سه بعد دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی مبادله و دیپلماسی فرهنگی بررسی نمود.

• الف) دیپلماسی رسانه‌ای

با تأسیس شبکه ماهواره‌ای عربی زبان «العالم» در سال ۲۰۰۳ و در اثنای حمله نظامی آمریکا به عراق،

ایران نیز دارای یک شبکه با اهداف بین المللی و رویکرد منطقه‌ای شد و به باشگاه رقابت رسانه‌ای غرب آسیا وارد شد. بعدها شبکه انگلیسی زبان «پرس تی وی» و نیز شبکه عربی زبان مذهبی و اجتماعی «الکوثر» و «آی فیلم» نیز به آرایش رسانه‌ای ایران افزوده شد (اندیشکده تبیینی راهبرد، ۱۳۹۷/۰۹/۱۴). شبکه العالم سال گذشته [۲۰۱۷ میلادی]، با راه‌اندازی یک شبکه وابسته در سوریه، دانش‌جویان خبرنگاری دانشگاه دمشق را به خدمت گرفت و ۳۶۰ دلار در ماه هم به آن‌ها حقوق داد؛ مبلغی که به نسبت اقتصاد آسیب‌دیده از جنگ سوریه، بسیار جذاب است (مشرق، ۱۳۹۷/۰۹/۱۷).

در دیپلماسی رسانه‌ای هدف تحت تأثیر قرار دادن توده مردم و افکار عمومی در سوریه است و از رسانه در راستای تقویت وجهه کشور در اذهان مردم عادی سوریه استفاده می‌شود. در این راستا اولین اقدام رایزنی فرهنگی ایران پس از گشایش تأسیس مجله الثقافة الاسلامیه بود که در حال حاضر شماره ۱۲۹ آن از سوی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چاپ شده است (خبر فارسی، ۱۳۹۸). نمونه بارز دیپلماسی رسانه‌ای ایران در سوریه را می‌توان در سخنرانی رئیس جمهور دکتر حسن روحانی با توجه به پایان عملیات نظامی در سوریه ملاحظه نمود: «رسیدگی به مردم مظلوم سوریه در شرایط کنونی ضروری است و اکنون زمان آزمونی بزرگ برای همه کشورهای حامی حقوق بشر فرارسیده است. کمک جامعه جهانی به آوارگان و آسیب دیدگان سوری اولویت همه پس از آزادی حلب است. من از هلال احمر جمهوری اسلامی خواسته‌ام با دعوت از جامعه جهانی به کمک مردم مظلوم سوریه بشتابند» (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵/۰۹/۲۹). همچنین دستاوردها و ظرفیت‌های فرهنگی ایران در برنامه «نبض الشرق» سوریه معرفی شد. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ابوالفضل صالحی‌نیا، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوریه با حضور در برنامه «نبض الشرق» در کانال سما سوریه به بیان ظرفیت‌های

حوزه‌های مختلف برای ساخت کشور سوریه به استادان دانشگاه‌های آن کشور منتقل کند تا بتوانند با توجه به علوم دانش‌بنیان برای ساخت کشورشان اقدام کنند» (روابط عمومی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۸).

• (ج) دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی رویکردی چند وجهی است که به تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر وجوه فرهنگی بین ملت‌ها و افراد اشاره می‌کند و هدف آن سرعت بخشیدن به فهم دو طرفه از یکدیگر است (شیخ الاسلامی و فاطمی صدر، ۱۳۹۲: ۵۶) در این راستا جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹ اقدام به گشایش رایزنی فرهنگی خود در دمشق نمود. در سال ۱۳۶۳ نیز اولین موافقت‌نامه فرهنگی میان جمهوری اسلامی و سوریه منعقد شد. این موافقت‌نامه شامل زمینه‌های تربیت، آموزش عالی و علوم، فرهنگ و هنر، ورزش و سیاحت و جهانگردی می‌شود که سیاست‌های فرهنگی را مشخص می‌نماید (شفیعی، ۱۳۸۵: ۹-۱۰). در سوریه، رایزنی فرهنگی ایران در دمشق نقش مهمی در معرفی فرهنگ و ایدئولوژی جمهوری اسلامی به مردم محلی و از جمله، افرادی دارد که تاکنون با ایران آشنا نشده‌اند. این رایزنی فرهنگی با تمرکز روی مسائل مربوط به منافع مشترک ایران و سوریه، نمایشگاه کتاب در سوریه برگزار، از دیپلماتان زبان فارسی در دانشگاه‌های این کشور حمایت، سفرهای سالانه به ایران را برای دانش‌جویان برتر برنامه‌ریزی، و به کمک شرکای سوری خود از «فرهنگ اسلامی» در مقابل غرب دفاع می‌کند (مشرق، ۱۳۹۷/۰۹/۱۷).

رئیس رسانه ملی دکتر علی عسکری در دیدار با وزیر فرهنگ سوریه، فرهنگ مقاومت را وجه اشتراک اصلی فرهنگی میان ایران و سوریه معرفی کرد و گفت: «مردم دو کشور ایران و سوریه که سال‌های سختی را گذرانده‌اند همواره در مسیر فرهنگ مقاومت حرکت کرده و می‌کنند و به آینده بسیار امیدوارند». وزیر فرهنگ سوریه نیز در این دیدار گفت: «ما همواره با جمهوری اسلامی ایران

فرهنگی و جاذبه‌های گردشگری ایران پرداخت. وی در بخشی از سخنانش به دستاوردهای انقلاب اسلامی، احتمالات پیش رو و وضعیت مذاکرات پیرامون برجام و ... اشاره کرد (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۸).

• (ب) دیپلماسی مبادله

در دیپلماسی مبادله مهمترین گروه هدف، نخبگان کشورهای دیگر هستند، چرا که با تاثیرگذاری بر آنها می‌توان امیدوار بود که آنها خود به اشاعه‌گران و ترویج‌کنندگان مقاصد کشور تبدیل شوند. بر این اساس دولتمردان به گسترش مناسبات مردم به مردم موسوم به دیپلماسی شهروندی و نیز تبدلات فرهنگی و دانشگاهی و روابط پایدار با نخبگان دانشگاهی اهتمام می‌ورزند. بنابراین اقداماتی از قبیل اعزام دانشجو به خارج، پذیرش بورس‌های تحصیلی، در حوزه دیپلماسی آموزشی و بین‌المللی‌سازی آموزش عالی کشور، خبرنگاران اعزامی، فرآیند ارتباطات میان فرهنگی، برگزاری انواع جشنواره‌های هنری، همایش‌ها و سمینارهای فرهنگی و حتی ایجاد سایت‌های اینترنتی در حوزه دیپلماسی عمومی قرار دارند (دهشیری، ۱۳۹۵).

در راستای دیپلماسی مبادله میان ایران و سوریه، بعد از انقلاب اسلامی روابط دانشگاهی میان دو کشور روبه افزایش بوده است. منصور غلامی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران در دیدار با محمد حسین راغب الحسین نایب رئیس گروه دوستی پارلمان سوریه، اظهار داشت: «دانشگاه تربیت مدرس مسئولیت ایجاد یک واحد دانشگاهی در کشور سوریه را برعهده دارد. انتظار می‌رود شرایط تأسیس این دانشگاه با پیگیری‌های مستمر فراهم شود» (تی آر تی فارسی، ۲۰۱۸). در سال ۱۳۹۶ تعداد ۱۴۲ دانشجوی سوری برای سال تحصیلی ۲۰۱۷-۲۰۱۸ در دانشگاه‌های ایران پذیرش شدند (عیار آنلاین، ۱۳۹۶). همچنین تعداد ۲۷ نفر از اساتید دانشگاه‌های سوریه از دانشگاه فردوسی مشهد دیدار نمودند. دکتر محمد کافی رئیس دانشگاه گفت: «این دانشگاه آمادگی دارد تجربیات خود را در

است و در هر چهارراه یک ایست بازرسی وجود دارد یا زن‌ها در خیابان‌ها نیستند و ... در کنار معرفی چهره صحیح واقعی ایران، گسترش زبان فارسی هم در اینجا برای ما اولویت دارد به خاطر اینکه سه دانشگاه سوریه گروه زبان و ادبیات فارسی دارند و تا مقطع کارشناسی دانشجوی زبان فارسی دارند» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶/۱۲/۲). مرکز آموزش زبان فارسی در لاذقیه وابسته به رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لاذقیه، نمایشگاه «هنر ایرانی» را در دانشگاه تشرین را برپا کرد. نمایشگاه «هنر ایرانی» پس از برگزاری در دانشگاه تشرین، به دلیل استقبال دوستداران فرهنگ و هنر به سالن اتحادیه هنرمندان تجسمی لاذقیه منتقل شد. به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نمایشگاه «هنر ایرانی» پس از برگزاری در دانشگاه تشرین و به دلیل استقبال بسیاری از دوستداران فرهنگ و هنر و بنا به درخواست اتحادیه هنرمندان تجسمی استان لاذقیه، این نمایشگاه (۲۸ مهرماه) به سالن اتحادیه هنرمندان تجسمی لاذقیه منتقل شد (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۹۸).

همچنین در چارچوب تقویت همکاری‌های فرهنگی سوریه و ایران سازمان سینمایی سوریه و سازمان سینمایی و امور سمعی و بصری ایران به منظور تقویت همکاری‌های دو کشور به ویژه در راستای نقش هنر هفتم در مبارزه با اندیشه‌های افراط‌گرایانه و تروریستی تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. مراد شاهین مدیر سازمان سینمایی سوریه درباره مفاد این یادداشت تفاهم اعلام کرد که این تفاهم نامه پروژه کاملی از همکاری‌ها در زمینه سینمایی میان دو کشور است و سوریه می‌تواند از تجارب پیشرفته ایران در صنعت سینما در تقویت و توسعه سینمای خود استفاده کند (ایرنا، ۱۳۹۷).

۲.۲ رویکرد ایران در قبال سوریه بعد از

۲۰۱۱

در مرحله آغازین بحران، ایران بیشتر با ابزارهای فنی و امنیتی از رژیم اسد پشتیبانی می‌کرد. با ادامه بحران، به ویژه در اواخر سال ۲۰۱۱ یعنی هنگامی که

روابط مستحکم فرهنگی داشته‌ایم و امیدواریم این همکاری‌های فرهنگی را هر چه بیشتر چه در زمینه تولیدات سینمایی و چه تلویزیونی و چه در حوزه‌های دیگر گسترش دهیم» (العالم، ۱۳۹۶). همچنین حجت الاسلام احمد مازنی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در دیدار با عبدالسلام محمد راشد الدهموش رئیس کمیته فرهنگی، تربیتی، تحقیقات و آموزش عالی مجلس خلق سوریه، هر دو طرف بر ضرورت توسعه و تحکیم روابط و همکاری‌های پارلمانی بین دو کشور و فعال‌سازی بخش‌های موجود و مرتبط فرهنگی و علمی در ایران و سوریه با یکدیگر تأکید کردند. الدهموش تأکید کرد «وجود زمینه‌هایی چون تاریخ کهن در سوریه و ایران، روابط دوستانه عمیق بین دو کشور و اشتراکات فکری و تاریخی می‌طلبد تا دو طرف نسبت به فعال کردن همکاری‌های فرهنگی مشترک و مبادله هیات‌هایی در این ارتباط بیش از پیش اقدام کنند». مازنی نیز در این دیدار «با اشاره به اهمیت توافق‌نامه‌های امضا شده بین دو کشور در هفته گذشته در زمینه‌های علمی و فرهنگی و وجود زمینه برای تکامل همکاری فرهنگی و فکری بین ایران و سوریه بر ضرورت افزایش رفت و آمد هیات‌های ذیربط بین دو کشور و افزایش سطح همکاری‌های آنان تأکید کرد» (ایرنا، ۱۳۹۷).

ابوالفضل صالحی‌نیا رایزن فرهنگی ایران در سوریه در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری فارس گفت: «در سوریه برای ما زبان فارسی، وحدت اسلامی و ارائه چهره واقعی ایران اولویت دارد چون شرایط خاصی داریم، در شرایطی فعلی سوریه، کار برای وحدت اسلامی و تقریب مذاهب جزء کارهای اساسی ماست، در عین حال ارائه چهره واقعی ایران را هم اولویت می‌دهیم چون تبلیغات منفی علیه ایران زیاد است که چهره مشوهی از کشورمان ارائه می‌دهد حتی برای دوستانمان، نه اینکه دید منفی داشته باشند بلکه دید غیرصحیح دارند، از دوستان ما و علاقمند به ایران هستند ولی تصور می‌کنند تهران شهری مانند یک شهر درجه دوم کشور عربی

رژیم صهیونیستی به خاک سوریه بوده ایم. پیرو این نکات تهران برای جلوگیری از پیرنگ شدن این رویه غلط، سعی دارد بدون آن که حساسیتی در هر کدام از طرفین منازعه کردها و دولت آنکارا ایجاد کند، مواضعی منطقی و در چارچوب عقلانیت دیپلماتیک به کار برد. تمام تلاش های جمهوری اسلامی ایران از همان روزهای ابتدایی جنگ در سوریه برای عدم تجزیه این کشور بوده که اکنون با حمله و تجاوز ارتش ترکیه به شمال شرق سوریه دوباره زمزمه های آن مطرح شده است. از این رو فارغ از اینکه طرفین این منازعه دولت ترکیه و کردها هستند، جمهوری اسلامی ایران تلاش دارد در چارچوب منطق دیپلماتیک، شرایط را برای کاهش تنش در پیش گیرد» (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸)

به طور کلی سیاست خارجی ایران در قبال سوریه عبارت است از: ۱- حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت، استقلال، وحدت و حفظ بشاراسد؛ زیرا تغییر در حاکمیت سوریه و یا تجزیه سوریه به معنای از دست رفتن جبهه سوریه به عنوان متحد کلیدی ایران در تقویت جبهه مقاومت در پی گیری اهداف ضداسرائیلی و روی کار آمدن احزاب و جریانات وابسته به رقیب های منطقه ای ایران از جمله ترکیه و عربستان و به طور کلی تغییر موازنه قدرت در منطقه به زیان ایران است. ۲- حمایت از انتخابات آزاد با حضور ناظران بین المللی و توجه به صدای مردم. ۳- حاکم نمودن الگوی حکومتی مبتنی بر اسلام سیاسی امت گرا.

۲.۳ دیپلماسی عمومی ترکیه در قبال سوریه

دیپلماسی عمومی و قدرت نرم ترکیه در سوریه بیشتر از آن که مکمل دیپلماسی رسمی و سیاست خارجی این کشور باشد، به گونه ای تابع آن ها است و در درون چارچوب های سیاست خارجی این کشور تدوین شده است. زیرا در سال های اخیر سیاست تنش زا و خشونت آمیز ترکیه در قبال همسایه جنوبی خود، به نوعی راه دیپلماسی را بسته و نقش دیپلماسی عمومی را کم رنگ ساخته است. با این

بحران سوریه بعد منطقه ای و بین المللی به خود گرفت، ایران نه تنها اسد را با کمک های مالی، امنیتی، اطلاعاتی و مشاوره تقویت کرد، بلکه با حضور نیروی نظامی ایرانی در سوریه به حمایت نظامی قاطع از رژیم اسد پرداخت (Haji-Yousefi, 2017: 12).

براین اساس، علل جهت گیری حمایتی ایران از سوریه و رژیم بشار اسد را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- موضوع اسرائیل و محور مقاومت. به عبارتی می توان گفت که بحران سوریه عرصه رقابت و نزاع میان جبهه مقاومت و محافظه کارن به ویژه اسرائیل است. لذا حفظ سوریه و بشاراسد به معنای حفظ جایگاه محور مقاومت در منطقه است. ۲- رقابت با کشورهای عربستان و ترکیه و حفظ نفوذ و جایگاه خود در منطقه. ۳- محدود کردن نفوذ آمریکا و به طور کلی غرب در منطقه و جلوگیری از روی کار آمدن دولت تحت نفوذ آنان در سوریه که به عنوان متحد راهبردی ایران محسوب می شود. براین اساس، ایران با هرگونه انتقال قدرت در سوریه مخالف است مگر اینکه خود در آن نقش داشته و آینده حضورش در این کشور را تضمین نماید (عسگرخانی و عبدالسلام، ۱۳۹۵: ۱۷).

موضع ایران در مورد اقدامات اخیر ترکیه در حمله نظامی به شمال سوریه این است که مسئله کردها در شمال سوریه می تواند به عنوان یک امر داخلی سوریه مد نظر قرار گیرد که ایران در آن دخالت نمی کند. اگر تهران در این سال ها دخالتی در سوریه داشته است به واسطه نگرانی از حملات صهیونیست ها به جنوب سوریه و تحت الشعاع قرار گرفتن منافع محور مقاومت در منطقه بوده و گرنه ایران در مسئله شیعه، سنی، علوی، عرب، کرد و اقتضائات دیگر اقوام و فرهنگ های سوریه دخالت نمی کند. در مجموع مسئله مورد تاکید جمهوری اسلامی ایران عدم نقض حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه است. چون اقدام ترکیه در حمله و تجاوز به خاک سوریه در آینده می تواند به یک رویه بدل شود، به خصوص که قبل تر نیز شاهد تجاوزات مکرر

جشنواره شعر، روز ادبیات و غیره نمود (UZUN & BARGHANDAN, 2016: 38). در این راستا رهبران حزب عدالت و توسعه بهبود روابط با سوریه را در دستکار خود قرار دادند. آنچه در این میان بخت دولت‌مردان ترکیه را برای نیل به هدف خود برای بهبود روابط با سوریه دوچندان کرد، دگرگونی به وقوع پیوسته در سیاست خارجی سوریه پس از به قدرت رسیدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰ میلادی بود (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۴).

از سال ۲۰۰۲ تا زمان تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱، ترکیه در روابط خود با سوریه بر قدرت نرم تمرکز داشته است. ابزار قدرت نرم فرهنگی، دیپلماتیک و اقتصادی بود. در سال ۲۰۱۰، دفتر نخست وزیر یک دفتر دیپلماسی عمومی برای روشن شدن سیاست‌های جدید ترکیه با کشورهای مختلف و ایجاد کانال‌های مختلف ارتباط با مردم تأسیس کرد. در چارچوب دیپلماسی فرهنگی، ترکیه موفق شده است تا از طریق تعدادی از پروژه‌ها و برنامه‌های فرهنگی، پیوندهای فرهنگی را به دارایی‌های استراتژیک تبدیل کند تا بتواند محیطی مساعد برای گفتگو و همکاری فرهنگی ایجاد کند. از سال ۲۰۰۲، ترکیه با استفاده از ابزارهای قدرت نرم، توانسته است تصویر زیبایی را از خود به نمایش بگذارد. زبان ترکی در دمشق تدریس شده است. درام‌های ترکی به ویژه سریال‌های تاریخی نمایش داده شد که سعی داشتند بر خلاف آنچه قبلاً منتشر شده است، دیدگاه‌های مثبتی از دولت عثمانی ارائه دهند (Abdel Hameed & Mostafa, 2018: 61-63). همچنین، پخش سریال‌ها و درام‌های دوبله شده ترکی در بین سوری‌ها، تأثیر مثبتی بر گردشگری ترکیه گذاشت. در حقیقت، در ذهن مردم سوریه، رجب طیب اردوغان به عنوان الگویی که صلح را در منطقه خاورمیانه به ارمغان می‌آورد، تصویرسازی شده بود. در واقع، حزب عدالت و توسعه با استفاده از تاریخ، سنت‌ها و آیین مشترک برای نزدیک شدن به منطقه عربی و سوریه دیپلماسی فرهنگی خود را به کار گرفت (Rahmouni Fatima, 2017: 28).

حال دیپلماسی عمومی ترکیه در سوریه در چارچوب دیپلماسی عمومی کلان و به ویژه دیپلماسی عمومی خاورمیانه‌ای ترکیه دنبال می‌شود. استفاده از منابع و مولفه‌های قدرت نرم، به کارگیری روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی و رسانه‌ای و پی‌گیری اهداف سیاست خارجی، چارچوب دیپلماسی عمومی ترکیه در سوریه را شکل می‌دهند (عنایتی شبکلائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۵).

از گذشته تا به حال سه اختلاف بر روابط ترکیه و سوریه اثرگذار بوده است. اختلاف ارضی در مورد استان هاتای، تقسیم منابع آب مشترک و مسأله کردها. سه اختلاف فوق‌الذکر، در گذشته با درجات مختلف از شدت و ضعف بر روابط ترکیه و سوریه سایه انداخته و همواره باعث ایجاد تزلزل در روابط دوجانبه این دو کشور بوده است؛ اگرچه سوریه ترکیه در گذشته با یکدیگر مشکلات حاد دیرینه‌ای داشته‌اند و ترکیه در تصمیم خود مبنی بر اتحاد با اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۹۰، نیم‌نگاهی به تضعیف سوریه داشته است و روابط دوجانبه رو به وخامت می‌رفت، به هر حال روابط دو کشور با امضای توافق‌نامه همکاری امنیتی آدنا در سال ۱۹۹۸ از مسیر بحران خارج شد و روبه بهبود گذاشت (جعفری ولدانی و نجات، ۱۳۹۲: ۱۴۹). با ظهور حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۰۲ دوره جدیدی در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمد. "جنگ طلبی پس از جنگ سرد" به "قدرت نرم" بدل شد و چشم انداز نظامی‌گرایانه به منطقه، فرصت را به تمرکز بر دیپلماسی، تجارت و تعامل فرهنگی واگذار کرد (Tol & Baskan, 2018). از آنجا که ترکیه میراث‌دار عثمانی در مناطق مختلف از جمله بالکان، خاورمیانه و شمال آفریقا است می‌توانست در یک جغرافیای وسیع، قدرت نرم فرهنگی خود را به کار ببرد. در این راستا، اقدام به فعالیت‌های فرهنگی از جمله «روزها/هفته‌های فرهنگ ترکیه»، «هفته‌های سینمای ترکیه»، «جشنواره‌های ترکیه» و «هفته‌های غذای ترکیه»، انواع نمایشگاه، اجرای رقص، کنسرت، کنفرانس و سمینار در مورد فرهنگ و هنر ترکیه،

به مبلغ ۶۳/۸ میلیارد دلار رسید. در سال ۲۰۰۵ نیز صادرات نسبت به سال قبل رشد ۴۰/۱ درصدی را تجربه کرد و به مبلغ ۹۷/۲ میلیارد دلار رسید. این افزایش در سال ۲۰۰۷ به میزان ۱۱۵/۳ میلیارد دلار رسید و این رقم در سال ۲۰۰۸ به ۱۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت، هر چند در سال ۲۰۰۹ به ۱۰۲/۲ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد. با توجه به آمارهای تجارت خارجی ترکیه با خاورمیانه می‌توان توجه بیشتر ترکیه به خاورمیانه را در این دوره مشاهده نمود. به عنوان مثال، سهم کشورهای خاورمیانه در تجارت خارجی ترکیه از ۸/۵۱ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۲۹/۳ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید. در حالی که سهم اتحادیه اروپا در تجارت خارجی ترکیه در طی همین دوره زمانی حدود ۱۷ درصد کاهش داشته است و از ۵۶/۶۳ در سال ۲۰۰۳ به کمتر از ۴۲ درصد در سال ۲۰۱۰ رسید (دانش نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵). همچنین، در سال ۲۰۱۰ ترکیه برای حمایت از اقتصاد سوریه حدود ۲۴۷ میلیون دلار وام برای پروژه‌های زیربنایی این کشور اختصاص داد و در سال ۲۰۱۱، شرکت‌های ترکیه‌ای حدود ۲۲۳ میلیون دلار در سوریه سرمایه‌گذاری کردند (Abdel Hameed & Mostafa, 2018: 62). اما با تشدید بحران در سوریه روابط اقتصادی دو کشور نیز کاهش یافت. طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ با کاهش روبه‌رو بود و از ۲۲ میلیارد به ۱۴ میلیارد رسیده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۴). در سال ۲۰۱۴ کل صادرات ترکیه به سوریه در حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار بود. این رقم در سال ۲۰۱۵ به یک میلیارد و پانصد و بیست و دو میلیون دلار و در سال ۲۰۱۶ به یک میلیارد و سیصد و بیست و سه میلیون دلار کاهش یافت. همچنین در فاصله ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ میزان واردات ترکیه از این کشور به بیش از نصف کاهش یافت. در حال حاضر نیز به دلیل جنگ و ناامنی روابط اقتصادی دو کشور کاهش یافته است (ببری و ابراهیمی، ۱۳۹۷: ۱۶۱).

به طور کلی، پس از گسترش بهار عربی به سوریه، روابط دو کشور به سرعت رو به وخامت گذاشت.

در چارچوب روابط دیپلماتیک، این روابط به تدریج بهبود یافت و رهبران دو کشور مسافرت به پایتخت‌های یکدیگر را آغاز کردند و از سال ۲۰۰۴، نه تنها روابط شخصی بین اردوغان و اسد تقویت شده است بلکه تبادل بازدید نیز صورت گرفته است. بشار اسد در ژانویه ۲۰۰۴ به آنکارا سفر کرد و رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، نیز متقابلاً در اواخر دسامبر ۲۰۰۴ به دمشق سفر کرد. اردوغان در چارچوب دیپلماسی رسانه‌ای هنگام بازدید از سوریه آغاز فصل جدیدی در روابط دو کشور را نوید داد و برای اثبات حسن نیت خود اعلام کرد که از این پس دولت سوریه می‌تواند از آب رودخانه فرات بیشتر استفاده کند (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵). به طور کلی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ (دوره طلایی روابط دو کشور)، داوود اوغلو بیش از ۶۰ بار به سوریه سفر کرده است. در ژانویه سال ۲۰۰۸، رئیس‌جمهور ترکیه عبدالله گل به دمشق سفر کرد. این دیدار نخستین سفر یک رئیس‌جمهور ترکیه به سوریه بود. دیپلماسی مردمی ترکیه همچنین نقش اساسی در تعمیق پیوندهای همکاری دو کشور داشت. پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، یک هیئت ترکیه در ماه مه ۲۰۰۳ وارد سوریه شد. به گفته سخنگوی این هیئت، این دیدار برای حمایت از سوریه در برابر تهدیدات احتمالی اسرائیلی و آمریکایی است. دو کشور با تشکیل شورای همکاری استراتژیک در سال ۲۰۰۹ به مرحله نهادینه شدن روابط رسیدند. اولین نشست وزیران در اکتبر ۲۰۰۹ برگزار شد و دو کشور توافق کردند که ویزای ورود شهروندان خود را لغو کنند و ۳۰ توافق‌نامه و تفاهم‌نامه همکاری را امضا کردند. دومین شورای وزیران در اکتبر ۲۰۱۰ برگزار شد (Abdel Hameed & Mostafa, 2018: 61). اما با آغاز بحران در سوریه و با عقب نشینی سفیران ترکیه و نمایندگان ترکیه از سوریه، روابط دیپلماتیک ترکیه و سوریه از بین رفت (Rahmouni, 2017: 33).

در چارچوب تمرکز بر روابط اقتصادی در راستای گسترش قدرت نرم، صادرات ترکیه در سال ۲۰۰۳ به رشد ۳۱ درصد و در سال ۲۰۰۴ به ۳۲/۸ درصد، یعنی

توانمندی‌های دفاعی تولید داخل، توان مالی بالا به‌عنوان پشتیبان عملیات نظامی و لزوم حفظ آمادگی نیروهای مسلح به‌عنوان دومین قدرت برتر عضو ناتو، سبب شد تا دولت ترکیه اقدام به تخصیص بودجه بیشتر و تأمین منابع مالی لازم برای عملیات اجرایی توسط نیروهای مسلح خود در خاک سوریه نماید. این امر ترکیه را در سال ۲۰۱۶ در رده هجدهم کشورهای دنیا از نظر بودجه نظامی قرارداد و در بودجه سال ۲۰۱۸ این کشور، میزان بودجه دفاعی با افزایشی حدوداً ۵۰ درصدی از ۲۸٫۷ میلیارد لیره ترکیه به حدود ۴۱٫۳ میلیارد لیره بالغ گردید (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۷/۱۰/۱۸). لذا ترکیه در قبال سوریه از سال ۲۰۱۱ به بعد به جای پی‌گیری سیاست دیپلماسی عمومی مبتنی بر قدرت نرم با اتکاء به قدرت سخت سیاست خود را پیش برده است. به عبارتی بهتر سیاست خارجی ترکیه با آغاز تحولات جهان عرب و بیداری اسلامی دچار چرخش از به کارگیری قدرت نرم به سمت استفاده از قدرت سخت شده است.

۲.۴ رویکرد ترکیه در قبال سوریه بعد از ۲۰۱۱

ترکیه تا قبل از بهار عربی در چارچوب سیاست نو عثمان‌گرایی، سیاست به صفر رساندن مشکلات با همسایگان را در دستور کار خویش قرار داده بود. قبل از تاخت و تاز شورشیان در سوریه، دولت حزب عدالت و توسعه تغییر روابط با دمشق را از لبه جنگ به یک رابطه نزدیک مدیریت کرده بود. ولی بعد از شروع ناآرامی‌ها در سوریه، ترکیه با وضعیت جدیدی مواجه شد که نیاز به بازبینی روابطش با همسایگان و به ویژه سوریه دچار بحران داشت (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۵: ۱۳۲). با آغاز بحران در سوریه، بدیهی بود که ترکیه نسبت به این تحولات نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد بر این اساس رهبران ترکیه ابتدا سیاست محتاطانه‌ای (سکوت) را نسبت به ناآرامی‌های سوریه اتخاذ کردند. در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در راستای دیپلماسی رسانه‌ای، داوود اغلو خطاب به بشاراسد خواهان توجه به صدای مردم و

ترکیه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم را ترک کرد و در سیاست سوریه به استراتژی قدرت سخت بازگشت. بنابراین بحران سوریه که با بهار عربی پدید آمد، نه تنها روابط ترکیه و سوریه را خراب کرد بلکه سیاست خارجی مبتنی بر قدرت نرم ترکیه در قبال همسایگان جنوبی خود در خاورمیانه را خاتمه داد (Eksi and Seyfettin Erol, 2018: 21). در این راستا در اواخر آوریل ۲۰۱۲، از وزیر خارجه ترکیه، داووداغلو نقل شده است: «صلح و ثبات می‌تواند در سوریه احیا شود، نه با رژیم اسد بلکه با یک سیستم سیاسی جدید که مشروعیت خود را از مردم می‌گیرد. ترکیه با ارائه پشتیبانی سیاسی به شورای ملی سوریه و با تأکید بر این که بحران فعلی فقط بیانگر روابط متشنج بین دولت‌ها است، نه مردم، خود را برای آن واقعه آماده می‌کند» (Bishku, 2012: 50).

به لحاظ امنیتی ترکیه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ شاهد ۸۷ عملیات تروریستی از سوی ۹ سازمان تروریستی بود که مشهورترین آن‌ها: حزب کارگران کردستان و شاخه‌های آن و داعش بودند که به کشته شدن ۹۵۶ نفر و زخمی و مجروحیت ۴۷۱۷ نفر انجامید. همچنین این کشور در سال ۲۰۱۶ نیز شاهد خشن‌ترین کودتای نظامی در تاریخ نوین خود بود که به دنبال وقوع این کودتا، نهادهای رسمی کشور از جمله مجلس، اماکن مربوط به استقرار نیروهای ویژه و پلیس بمباران شد و ۲۴۹ نفر کشته و ۲۱۹۵ نفر نیز مجروح شدند. در نتیجه این اتفاقات و همچنین چالش‌های منطقه‌ای متعدد در محیط پیرامونی ترکیه، دستور کار امنیت داخلی و خارجی این کشور تغییر کرد و مسئولان ترکیه‌ای با هدف بازآفرینی نقش فعال خود در محیط منطقه‌ای، به سمت استفاده از «قدرت سخت» تمایل پیدا کردند. بهره‌گیری از قدرت سخت توسط ترکیه، صرفاً به ایجاد پایگاه‌های نظامی بزرگ در منطقه ختم نشد و آنکارا برای اولین بار از شروع تحولات سوریه، تصمیم به بهره‌گیری از نیروی نظامی در شمال این کشور کرد و در سال ۲۰۱۶ عملیات سپر فرات و به دنبال آن عملیات شاخه زیتون را آغاز نمود. اتکای ترکیه به

آنجا که قدرت اسد تضعیف شده است، کردهای سوریه خواهان وضعیتی مشابه آنچه کردهای عراق از آن برخوردارند، هستند. این موضوع سبب می‌شود کردهای ترکیه نیز خواستار وضعیتی مشابه شوند که بسیاری از کمالیست‌ها تقاضای کردها برای استقلال را اولین قدم در مسیر شیب لغزنده منتهی به برچیدن سرزمین دولت ملی ترکیه می‌دانند و با اعطای استقلال محلی به کردها مخالف هستند (Larrabee & Nader, 2013: 36). به همین جهت دوباره در سیاست خارجی ترکیه جهت‌گیری تهاجمی و استراتژی‌های تجاوزکارانه، مداخله جویانه و جنگ طلبانه در قبال سوریه به اوج رسیده و در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸، ارتش ترکیه حمله به منطقه کردنشین عفرین در سوریه (عملیات شاخه زیتون) را آغاز کرد. ترکیه با نامه خود به شورای امنیت از ۲۲ ژانویه ۲۰۱۸، این عملیات را دفاع از خود نشان داد (Peters, 2018: 1). ترکیه بار دیگر در روز ۹ اکتبر ۲۰۱۹، حمله به شمال و کردهای سوریه (عملیات چشمه صلح) را آغاز کرده است. به گفته اردوغان، این کشور به دنبال این است تا نیروهای دموکراتیک سوریه را که ترکیه آن را یک گروه تروریستی می‌داند از مرز جنوبی ترکیه دور کرده و همچنین «منطقه امنی» به عمق ۳۰ کیلومتر در خاک سوریه ایجاد کند تا ۳٫۶ میلیون پناهجوی سوری را در آن اسکان دهد (Aljazeera, 2019). نخبگان عمومی و سیاسی ترکیه تا حدود زیادی حمایت خود را از نیروهای این کشور که در شمال سوریه در حال نبرد هستند برپا کرده‌اند و در مقابل صداهای مخالف در جامعه بین‌المللی که عملیات آنکارا در منطقه را محکوم کرده‌اند، ایستادگی می‌کنند. روز پنجشنبه حمله به نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) به رهبری کردها، در صفحات نخست روزنامه‌های ترکیه مورد تحسین واقع شد، روزنامه طرفدار دولت صباح گزارش داد که نمازهای ویژه برای موفقیت این عملیات در ۹۰،۰۰۰ مسجد در سراسر ترکیه خوانده شد (Wilks, 2019). به طور کلی، هدف اصلی استراتژی حمله نظامی ترکیه به خاک سوریه، مهار و خنثی کردن

خویشترداری در برابر معترضان با اعمال اصلاحات و انجام گفتگوی ملی با اخوان‌المسلمین شد. اما در ادامه و زمانی که کشتار غیرنظامیان به بیش از ۲۳۰۰ نفر رسید، رهبران ترکیه سیاست تهاجمی و تقابلی علیه بشار اسد اتخاذ نموده و خواهان مداخله شورای امنیت ملل متحد و پایان دادن به عملیات نظامی تحت عنوان دموکراسی‌نو و اقدامات بشردوستانه در سوریه شدند (Stuart, 2011: 11). لذا، روابط دو کشور به وخامت گرایید و سفارت ترکیه در دمشق تعطیل گردید. ترکیه نیز با برگزاری کنفرانس گذار به دموکراسی و کمک به تشکیل شورای ملی و ارتش آزاد سوریه و در اختیار گذاشتن مرزهایش و بندر اسکندرون به شورشیان و دادن آموزش‌های نظامی به آنها و مشارکت فعال در اجلاس‌های ژنو ۱ و ۲ به حمایت خود از شورشیان و تلاش برای برکناری اسد ادامه داد (Kardas, 2010: 115). ترس از گسترش ناامنی میان مرزهای دو کشور و جلوگیری از تعمیق اختلافات قومی از جمله مهم‌ترین عوامل تغییر جهت‌گیری ترکیه از دیپلماسی عمومی مبتنی بر قدرت نرم به تمرکز به قدرت سخت در بحران سوریه بود (Esmailzadeh, 2014: 37).

سیاست تهاجمی ترکیه در قبال سوریه تا برکناری داوود اغلو و جانشینی بیلدریم ادامه داشت. بیلدریم مواضع ترکیه در قبال سوریه را تغییر داد. زیرا پس از سرنگونی جنگنده روسیه، اردوغان در تنگنای واقعی قرار گرفت و ناتو نیز او را در این وضعیت سخت رها کرد به علاوه اینکه آمریکا و اروپا بین اردوغان و کردها، دومی را برگزیدند که از تلاش آنها برای تشکیل یک موجودیت مستقل کرد در مرزهای جنوبی ترکیه با سوریه حکایت داشت. این در حالی بود که درگیری‌های ارتش سوریه با نیروهای کرد که بر یک سوم حمله سیطره دارند، آمریکا به حمایت از کردها اقدام نمود. از سوی دیگر کودتای نافرجام در ترکیه اردوغان را به خطرات و تهدیدات واقعی علیه کشورش در سطح داخل و خارج آگاه کرد (عسگرخانی و عبدالسلام، ۱۳۹۵: ۳۱) اما کردها یکی از بزرگترین برندگان ناآرامی‌های سوریه هستند. از

آمریکا برای براندازی حکومت سوریه اشاره کرد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۹). به عبارتی بهتر، اصلی‌ترین پیامد منطقه‌ای بحران سوریه، واگرایی در روابط ایران و ترکیه بود. زیرا ایران بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی به دنبال حفاظت از محور مقاومت برآمد و ترکیه بر اساس الگوهای نوع‌ثمنی‌گرایی به دنبال تعمیق نفوذ منطقه‌ای خود برآمد. با وجود بحران در سوریه و قرار گرفتن ترکیه و ایران در دومی‌سیر متفاوت سرنوشت نظام سوریه در صورت فروپاشی یا دوام به ضرر یکی از طرفین خواهد بود. زیرا دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در سوریه متفاوت است.

ترکیه خواستار حذف اسد و ایران طالب ابقای او در حکومت است. بنابراین کشمکش میان دو کشور تا حصول نتیجه نهایی ادامه خواهد داشت. این در حالی است که ترکیه می‌کوشد همواره موازنه‌ای که میان ایران، سوریه و لبنان در جریان بوده و عموماً موجب سنگینی کفه ترازو به نفع ایران است را تغییر دهد. بدین ترتیب راه را برای ارتقای سطح قدرت منطقه‌ای خود هموار سازد (آجیلی و قریشی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). در مقابل، ایران تلاش کرده تا ضمن ترغیب اسد به برخی اصلاحات، ساختار سیاسی این کشور را از تغییرات انقلابی مصون نگه دارد. از بین رفتن فرصت در دست‌گیری قدرت از سوی اقلیت علویان نزدیک به ایران در سوریه، فقدان کارکرد مناسب رژیم جدید در سوریه برای تهران، افزایش انزوای ایران در منطقه، کاهش فرصت بقا و همچنین کاهش تاثیرگذاری برنامه‌های منطقه‌ای ایران از جمله تهدیداتی است که امنیت ملی ایران را تحت تاثیر قرار می‌دهد (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳). بنابراین دیپلماسی عمومی ایران در سوریه به دنبال حفاظت از سوریه و جبهه مقاومت در منطقه است و ایران نگاهی همگرایانه به سوریه دارد اما دیپلماسی عمومی ترکیه در سوریه به دنبال تغییر نظام سیاسی در سوریه است؛ لذا نگاهی متضاد و واگرایانه به سوریه دارد.

دستاوردهای سیاسی- سرزمینی کردهای سوریه است. رویکرد ترکیه اساساً شامل ایجاد مناطق کنترل در امتداد مرز ترکیه و سوریه به عنوان منطقه حائل علیه گروه‌هایی مانند واحدهای حفاظت از کردهای کردستان (YPG) استوار است بر اساس این تصور که آنها به تهدیدهای وجودی برای امنیت ملی ترکیه تبدیل شده‌اند (Leeuwen & van Veen, 2019: 2).

۲.۵ مقایسه جهت‌گیری ایران و ترکیه در قبال سوریه

ایران و عثمانی از قرن ۱۶ و ۱۷ رقبای مذهبی و منطقه‌ای یکدیگر بوده‌اند. عثمانی مدافع اسلام سنی در مقابل ایرانیان شیعه بود. لذا میان دولت عثمانی و دولت صفویه در قرن ۱۶ جنگ‌های بسیاری رخ داده است. اما در دوره پهلوی نوعی سازگاری در روابط دو کشور حاکم گردید که انقلاب ایران رقابت تاریخی میان دو کشور را در قالب ترکیه سکولار و ایران اسلامی (شیعی) زنده نمود. ولی سیاست ترکیه در زمان جنگ عراق علیه ایران با الهام از سیاست سنتی کمالیستی یعنی عدم دخالت در خاورمیانه تعدیل گردید (احمدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۱). با روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه روابط دو کشور توسعه یافت، اما تحولات جهان عرب و تقابل دو کشور در سوریه و عراق یکبار دیگر موجب تیرگی روابط دو کشور شد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۷). با شروع بحران در سوریه، مقامات سیاسی دو کشور از سیاست‌های یکدیگر در سوریه انتقاد کردند. این واکنش‌های انتقادآمیز گاهی اوقات تبعات عمل نیز در بر داشت که می‌توان به لغو سفر محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین ایران در اعتراض به استقرار سامانه موشک‌های پاتریوت ناتو در خاک ترکیه در آذرماه ۱۳۹۱ و نیز معوق‌گذاشتن برنامه لغو ویزا توسط ایران در سال ۲۰۱۲ در پی انتشار بیانیه رسمی وزیر امور خارجه ترکیه در ۸ آگوست ۲۰۱۲ در محکوم کردن اظهارات مقامات ایرانی مبنی بر حمایت ترکیه از مخالفان کرد سوریه و شرکت در ائتلاف به رهبری

ترکیه از طریق بحران سوریه در تلاش بود تا شکوه امپراطوری عثمانی را باز یابد و به گونه‌ای از مسیر سوریه راهی برای ورود به جهان عرب پیدا کند تا به این طریق منافع و خواسته‌های خود را محقق و خود را به عنوان بازیگر مهم و تأثیرگذار منطقه‌ای مطرح کند. ترکیه حلقه وصل و پل ارتباطی میان مخالفان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، دولت سوریه بوده و به عنوان عضو ناتو در تشدید اقدامات علیه دشمن نقش آفرین بوده است. آنکارا با دادن انواع امتیازات و تسهیلات به جریان‌ات و طیف‌های مختلف معارضة سوریه به ویژه معارضة نظامی و مسلح سیاست خصمانه خود در ازای دمشق آشکار نمود و با اتخاذ سیاست تهدید و تنش؛ به مناسبات خود با سوریه آسیب جدی رساند (عسگرخانی و عبدالسلام، ۱۳۹۵: ۳۰). اما جهت‌گیری ترکیه در قبال سوریه به خاطر حوادث مختلف در داخل و خارج تعدیل شد و دست از مخالفت با بشاراسد و حذف آن برداشت و در مذاکرات آستانه و سوچی به همکاری با ایران و روسیه برای توقف جنگ در سوریه پرداخت. لذا جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه از تهاجمی به سمت همکاری و محافظه کاری تغییر یافت.

مذاکرات برگزار شده سوری در آستانه با ابتکار تهران، مسکو و آنکارا، ایستگاه اول مذاکره دولت سوریه و مخالفان مسلح بود و تلاش‌های سازنده و موثر مثلث طلایی ایران، روسیه و ترکیه و تداوم همکاری‌های سازنده این سه کشور برای پایان دادن به شش سال جنگ و بحران انسانی در سوریه، بود (ایرنا، ۱۳۹۵).

بنابراین ایران و ترکیه تلاش زیادی کرده‌اند تا با استفاده از رسانه‌ها و شرکت در اجلاس‌های صلح و برگزاری کنفرانس‌ها، قدرت نرم خود را از طریق دیپلماسی عمومی افزایش دهند. رسانه‌های ترکیه تلاش دارند تا تصویری از ایران به عنوان یک کشور قدرت طلب، منفعت طلب، بر هم زننده نظم و امنیت منطقه و شکل دهنده به اختلاف بین شیعه و سنی ارائه دهند. رسانه‌ها و مطبوعات ترکیه، ایران

مهم‌ترین عامل در توجه جمهوری اسلامی ایران به سوریه موقعیت راهبردی آن در محور مقاومت است. براین اساس دولت سوریه معبر حیاتی ارتباط میان جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان است و طبیعتاً سقوط آن برای ایران و اهداف راهبردی آن تهدید بزرگی محسوب می‌شود. چرا که لبنان به برکت حضور حزب الله می‌تواند نقش مهمی در تشکیل جبهه ضد صهیونیست که یکی از اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است، ایفا نماید (حبیبیان، ۱۳۹۵: ۱۵). به طور کلی اهمیت سوریه برای ایران عبارت است از: تنها هم پیمان (حقیقی) منطقه ای ایران؛ هم سویی سیاست‌های ضدآمریکایی و ضد رژیم صهیونیستی علیه این کشور، ژئوپلیتیک خاص سوریه در منطقه خاورمیانه، حمایت از مقاومت فلسطین، اهمیت سوریه برای ایفای نقش در تحولات لبنان؛ از جمله اینکه به عنوان حامی جریان مقاومت لبنان و عامل توازن قوا و مانع جنگ داخلی در این کشور است (سلیمی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۸۰). بر این اساس، ایران آشکارا تمایل خود برای یافتن راه حل دیپلماتیک برای بحران سوریه ابراز نموده است. رئیس جمهور روحانی با توجه به حقایق جدید در بحران سوریه، سیاستی مضاعف اتخاذ کرده است. از یک سو، ایران با هماهنگی شرکای اصلی خود (روسیه و حزب‌الله)، حضور پررنگ خود را در سوریه حفظ کرد. از سوی دیگر، ایران تلاش‌های دیپلماتیک خود را برای حل بحران شدت بخشید. از سال ۲۰۱۴، ایران اصرار بر حل و فصل سیاسی جنگ داخلی در سوریه داشته است. برنامه حل و فصل دیپلماتیک ایران عبارتند از: (۱) آتش بس فوری، (۲) اصلاح قانون اساسی به منظور حفظ اقلیت های سوریه، (۳) انتخابات آزاد و تحت نظارت بین‌المللی و (۴) تشکیل دولت وحدت ملی مبتنی بر نهادهای جدید قانون اساسی. این برنامه اگرچه به طور ضمنی مشروعیت رژیم اسد را در دوره انتقالی به رسمیت می‌شناخت اما به وضوح خواستار اصلاحات اساسی در سیستم سیاسی سوریه بود (Haji-Yousefi, 2017: 22).

جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸/۰۷/۱۸)؛ اما بررسی روزنامه‌ها، تارنماها و خبرگزاری‌های ایران نشان می‌دهد که این عملیات با مخالفت‌های گسترده رسانه‌های هر دو طیف اصولگرا و اصلاح‌طلب مواجه شده است. این رسانه‌ها ضمن انعکاس نگرانی‌های جامعه جهانی از پیامدهای حمله ترکیه، تبعات حملات ترکیه به سوریه را برجسته کردند و نسبت به احیای دوباره داعش هشدار دادند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸/۰۷/۲۲).

در نهایت در ارتباط با مقایسه دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در سوریه نگراندگان بر این باورند که ترکیه از سال ۲۰۱۱ به بعد رفته رفته سیاست تهاجمی در قبال سوریه را در دستورکار سیاست خارجی خود قرار داده است. ترکیه با حمایت از مخالفان اسد و حمایت از تغییر رژیم در سوریه از به کارگیری قدرت نرم خود در قبال این کشور که تا قبل از تحولات سوریه و سال ۲۰۱۱ سر لوجه جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور بود، دست می‌کشد و راهبرد سیاست خارجی این کشور در سوریه در تضاد با سیاست ایران و روسیه پیش می‌رود اما در سال ۲۰۱۶ با اطلاع از این امر که نمی‌تواند دولت بشار اسد را در سوریه ساقط کند در مذاکرات آستانه و سوچی به همکاری با ایران و روسیه پرداخت و به طور مقطعی از استراتژی تهاجمی خود در قبال سوریه دست برداشت؛ اما در سال ۲۰۱۸ و در حمله به شمال سوریه و بخش کردنشین این کشور دوباره سیاست تهاجمی این‌بار در غالب حملات نظامی در دستورکار سیاست خارجی این کشور قرار گرفته است. اما دیپلماسی عمومی ایران در تحولات سوریه همواره حامی حفظ وضع موجود در سوریه و حمایت از راه‌های سیاسی و استفاده از صندوق رأی برای تعیین سرنوشت سوریه بوده است. ایران مخالف هرگونه نظامی‌گری و عملیات نظامی در سوریه بوده است و تجاوز ترکیه به خاک سوریه را محکوم کرده است. در مورد روابط ایران و ترکیه در بحران سوریه باید گفت که ایران و ترکیه در بحران سوریه به عنوان دو رقیب منطقه‌ای

را به تلاش برای ایجاد یک ساختار جدید در عراق و سوریه و دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی متهم می‌کنند. تاکنون، محتوای اخبار در ترکیه و ایران در قبال یکدیگر در درجه اول مبتنی بر توصیف "من" به عنوان صلح طلب و "دیگری" - به عنوان عامل افزایش تنش در منطقه است. بنابراین، محتویات اخبار مربوط به یکدیگر در هر دو کشور انتقادآمیزتر بوده است که سیاست خارجی منطقه‌ای جهت‌گرا این کشورها را تحکیم می‌بخشد (uzun & barghandan, 2016: 39).

در بررسی جهت‌گیری رسانه‌های ترکیه و ایران در مورد حمله ترکیه به سوریه مشخص است که دیپلماسی عمومی ترکیه تحت تأثیر دیپلماسی رسمی آن است زیرا بعد از آغاز عملیات، قریب به تمامی احزاب سیاسی ترکیه به جز حزب دمکراتیک خلق‌ها حمایت خود از عملیات را اعلام و برای نیروهای نظامی ترکیه در منطقه آرزوی سلامتی و موفقیت کردند. تیتیر نخست تمامی مطبوعات روزنامه‌های ترکیه که در روز جاری منتشر شده‌اند در ارتباط با عملیات می‌باشد و بسیاری از مقاله نویسان ترکیه نیز سرفصل مقاله‌های خود را به این مساله اختصاص داده‌اند. مواضع رسانه‌های نوشتاری ترکیه نیز در مساله عملیات متفاوت از موضع‌گیری‌های احزاب سیاسی نیست و بجز یک بخش بسیار کوچک از رسانه‌ها، اکثریت مقاله‌ها و اخبار درج شده در روزنامه‌های ترکیه در حمایت از عملیات می‌باشد. روزنامه ینی شفق برای خبر خود تیتیر " اردوغان در ساعت ۱۶ آغاز عملیات چشمه صلح را اعلام کرد، اردوغان: اکنون روز اتحاد ملی است" را برگزیده است. روزنامه " استار" برای صفحه نخست خود تیتیر " اردوغان به عنوان فرمانده کل قوا دستور را صادر و عملیات چشمه صلح آغاز شد" را برگزیده است. روزنامه حریت برای خبر خود تیتیر " ابتدا عملیات هوایی و سپس زمینی آغاز شد"، روزنامه " صباح" تیتیر مواضع تروریستی با خاک یکسان شد، " روزنامه " ملیت" تیتیر عملیات چشمه صلح آغاز شد" را انتخاب کرده‌اند (خبرگزاری

ایران و ترکیه نگرانی‌های عمیقی نسبت به نیت یکدیگر در منطقه دارند. ایران ترکیه را متهم می‌کند که با همکاری کشورهای غربی درصدد است حکومت بشار اسد را ساقط کند و از تحولات منطقه برای افزایش منافع خود در منطقه بهره‌برداری کند و هدف آنکارا احیای امپراطوری عثمانی است. در مقابل، آنکارا نگران است ایران در این عرصه رقابت، تحولات را در جهت منافع خود و برخلاف منافع ترکیه و غرب پیش ببرد، لذا تمام سیاست‌های خود را براساس کنار رفتن بشار اسد از قدرت بنا کرده است به گونه‌ای که گروه‌های مخالف را در خاک خود جای داده است و کمک‌های لجستیکی و نظامی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. از دیدگاه ترک‌ها، با هرگونه تغییر در حاکمیت سوریه، جایگاه استراتژیک ترکیه در منطقه بسیار ارتقاء خواهد یافت. به دنبال تحولات سال ۲۰۱۱ در سوریه و افزایش اهمیت این کشور برای ایران و ترکیه، سیاست‌های این دو کشور رنگ و بویی تازه به خود گرفت. ترکیه که تا پیش از این روابط حسنه‌ای را در بسیاری از موارد با دولت دمشق و حکومت بشار اسد داشت تغییر راهبرد و استراتژی داده و در کنار مخالفان دولت اسد و حکومت دمشق قرار گرفت و اقدام به طرح سیاست‌های درگیرانه، کمک شورشیان، دخالت در امور داخلی سوریه و حتی حمله نظامی به شمال این کشور کرد. به طور کلی ترکیه به دنبال گستراندن محور اخوانی در سوریه بود اما در مقابل جمهوری اسلامی ایران دیپلماسی و روابط مسالمت آمیز خود را با دمشق ادامه داده و در قبال تحولات و بحران سوریه خواستار توسل به نظر مردم و صندوق‌های رأی و حفظ تمامیت ارضی سوریه و دفاع و حمایت از غیرنظامیان، زنان و کودکان سوریه در مقابل تروریست‌ها بوده است.

بوده‌اند و به دنبال تأمین منافع ملی خود می‌باشند. به طوری که ترکیه به دنبال گسترش عمق استراتژیک خود از طریق روی کار آوردن حکومت جدید در سوریه است اما ایران به دنبال حفظ جایگاه خود در سوریه و حفظ بشاراسد در حفظ موقعیت جبهه مقاومت در ضدیت با رژیم صهیونیستی است. لذا روابط ایران و ترکیه در بحران سوریه به عنوان دو کشور رقیب و نه دشمن ارزیابی می‌شود.

۳ نتیجه گیری

کشور سوریه از جمله کشورهای مهم و استراتژیک خاورمیانه است که به دلیل همسایگی با اسرائیل و لبنان، عراق و ترکیه همواره مورد توجه بوده است. همزمان با آغاز بحران و جنگ داخلی در سوریه، قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به طور فعالی سعی در نقش‌آفرینی در حل و فصل این بحران داشته‌اند. ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت منطقه‌ای که سعی در تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای را دارند در بحران سوریه به رقابت باهم پرداختند. در این رقابت ایران و ترکیه از تمام ابزارها و ظرفیت‌های خود برای تسلط بر منطقه استفاده کرده‌اند که یکی از این ابزارها، قدرت نرم و عرصه دیپلماسی عمومی است. هر دو کشور ایران و ترکیه سالیان متمادی است که به دنبال افزایش نفوذ در سوریه می‌باشد و هر دو از ابزار دیپلماسی عمومی در این عرصه بهره می‌گرفتند تا اینکه تحولات پس از ۲۰۱۱ در سوریه راهبرد ترکیه را در مقابل سوریه به شدت تغییر داد و دیپلماسی عمومی ترکیه را به سیاست سخت و نظامی تبدیل کرد.

منابع

منابع فارسی

مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۷۶-۱۴۱

حبیبیان، محمدحسن (۱۳۹۵) «مدیریت بحران جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، فصلنامه علمی-پژوهشی انقلاب اسلامی، سال پنجم، پاییز، شماره ۱۸، صص ۲۶-۷

دانش نیا، فرهاد، احمدیان، قدرت و مسعود هاشمی، «هویت تاریخی، نوعثمان گرایی و سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۰-۳۵.

دانش نیا، فرهاد، احمدیان، قدرت و مسعود هاشمی، «هویت تاریخی، نوعثمان گرایی و سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۰-۳۵

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (۱۳۸۷)، کتاب سبز سوریه، چاپ اول

ربیعی، حسین، نقدی، جعفر و سجاد نجفی (۱۳۹۶)، «بحران سوریه و امنیت ملی ایران از دیدگاه نظریه موازنه تهدید»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۳۰، بهار، صص ۸۸-۶۱.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۷) «دستاوردها و ظرفیت‌های فرهنگی ایران در برنامه نبض الشرق»، برگرفته از سایت سازمان، قابل دسترس در: <https://www.icro.ir>

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۸) «نمایشگاه هنر ایرانی در سوریه»، برگرفته از سایت سازمان، قابل دسترس در: <https://www.icro.ir>

احمدیان، قدرت، دانش نیا، فرهاد و کرم‌رضا کرمان (۱۳۹۵)، «هویت و سیاست خارجی خاورمیانه ای ایران و ترکیه در سوریه»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان، صص ۱۷۳-۱۴۱

احمدی‌پور، زهرا، موسوی شغائی، سیدمسعود، پوردست، زهرا (۱۳۹۸)، «واکاوی رقابت ایران و ترکیه در بحران سوریه»، فصلنامه ژئوپلتیک، سال پانزدهم، شماره سوم، پاییز، صص ۹۰-۱۲۱.

آجیلی، هادی، قریشی، سیده مهدیه (۱۳۹۲) «سیاست خارجی ترکیه در بحران سوریه: ریشه‌ها، اهداف و پیامدها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۲۴-۹۹

ببری، نیکنام، ابراهیمی، شهرزاد (۱۳۹۷) «بحران سوریه و تأثیر آن بر منافع ملی و منطقه‌ای ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره دوم، تابستان، صص ۱۴۹-۱۷۸

بطحایی اصل، میرابراهیم صدیق و دیگران (۱۳۹۱) «نقش و تأثیر حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط ایران و ترکیه»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۹، صص ۲۰۳-۱۷۵.

پرویزی، جمشید (۱۳۹۲) «نقش آموزش‌های بین‌المللی در دیپلماسی عمومی تجربه استرالیا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۴، صص ۱۰۶۴-۱۰۳۷.

جعفری ولدانی، اصغر و سیدعلی نجات (۱۳۹۲) «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه (۱۳۹۰-۱۳۹۳)»، فصلنامه

نیاکوئی، سید امیر و علی اصغر ستوده (۱۳۹۵)، «الگوی تقابل بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در منازعات داخل سوریه و عراق (۲۰۱۱-۲۰۱۵)»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و پنجم، شماره ۸۰، پاییز، صص ۱۱۷-۱۵۱.

سایت‌های اینترنتی

اندیشکده تبیینی راهبرد (۱۳۹۷) ترکیه؛ افول قدرت نرم و صعود قدرت سخت، <http://tabyincenter.ir/30061>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۷/۱۰/۱۸)

اندیشکده تبیینی راهبرد (۱۳۹۷) نگاهی به عملکرد رسانه‌ای محور مقاومت؛ کاستی‌ها و بایستگی‌ها <http://tabyincenter.ir/29184> تاریخ دسترسی (۱۳۹۷/۰۹/۱۴)

اندیشکده راهبردی تبیین (۱۳۹۵) دیپلماسی عمومی ایران در حلب، <http://tabyincenter.ir/15443>، تاریخ دسترسی، (۱۳۹۵/۰۹/۲۹).

ایرنا (۱۳۹۷) [ایران و سوریه بر ضرورت توسعه روابط فرهنگی و علمی تاکید کردند](http://www.irna.ir/news/83196358)، <https://www.irna.ir/news/83196358>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۷/۱۱/۱۵).

ایرنا (۱۳۹۷)، امضاء تفاهم‌نامه همکاری سینمایی میان ایران و سوریه، <https://www.irna.ir/news/83190050>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۷/۱۱/۱۰).

ایرنا (۱۳۹۵) «دستاوردهای اجلاس آستانه و موفقیت مشترک مثلث طلایی ایران، روسیه و ترکیه»، <http://www.irna.ir/fa/News/82404786>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۵/۱۱/۰۹).

تی آر تی فارسی (۲۰۱۸) ایران در سوریه دانشگاه تاسیس می کند،

سلیمی، حسین، مجتبی شریعتی (۱۳۹۳) «منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه»، *مجله سیاست دفاعی*، سال بیست و سوم، شماره ۸۹، زمستان، ۷۱-۱۰۶.

شفیعی، حسین (۱۳۸۵) «نگاهی به پیشینه روابط فرهنگی ایران و سوریه (گذشته و حال)»، *فصلنامه فرهنگی*، شماره ۳۳۲۹۶۵۳، فرودین.

شیخ‌الاسلامی، محمد حسین، فاطمی‌صدر، امیر (۱۳۹۲) «دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در لبنان»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره چهارم، زمستان، صص ۴۹-۷۴.

عسگرخانی، ابومحمد، عبدالسلام، تقی (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران وریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال دوازدهم، شماره سی و هفتم، زمستان، صص ۷-۴۰.

عنایتی شبکلائی، علی، اطهری سید اسدالله و رحمت حاجی مینه (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان، صص ۹۳-۷۳.

مسعودنیا، حسین، فروغی، عاطفه، چلمقانی، مرضیه (۱۳۹۱) «ترکیه و بحران سوریه؛ از میانجی‌گری تا حمایت از مخالفان دولت»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۴، زمستان، صص ۸۳-۱۱۰.

موسوی، سیدحافظ و دیگران (۱۳۹۴) «تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوازدهم، صص ۱۶۶-۱۸۸.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۸)، منطقی ترین واکنش در مقابل حمله ترکیه به شمال سوریه را ایران اتخاذ کرده است، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1986854>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۸/۰۷/۲۲)

روابط عمومی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۹۸) بازدید اساتید دانشگاه‌های مختلف کشور سوریه از دانشگاه فردوسی مشهد، https://intr.um.ac.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=436:news185&catid=83:news&Itemid=691&lang=fa، تاریخ دسترسی (۱۳۹۸/۰۴/۳۱)

العالم (۱۳۹۶) [فرهنگ مقاومت وجه اشتراک فرهنگی ایران و سوریه است](https://fa.alalamtv.net/news/3086251)، <https://fa.alalamtv.net/news/3086251>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۶/۱۲/۰۲)

عیار آنلاین (۱۳۹۸) براساس تبادل فرهنگی میان سوریه و ایران، ۱۴۲ دانشجوی سوری در دانشگاه‌های ایران پذیرش می‌شوند، <http://ayaronline.ir/1396/09/263005.html>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۶/۰۹/۲۲)

مشرق، (۱۳۹۷) دست برتر دیپلماسی عمومی ایران مقابل اعراب و آمریکا در خاورمیانه، <https://www.mashreghnews.ir/news/917184>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۷/۰۹/۱۷)

<https://www.trt.net.tr/persian/yrn/2018/11/15/yrn-dr-swryh-dnshgh-tsys-my-khnd-1088601>، تاریخ دسترسی (۲۰۱۸/۱۱/۱۵)

خبر فارسی (۱۳۹۸) انتشار شماره ۱۲۹ فصلنامه «الثقافه الاسلامیه» در سوریه، <https://khabarfarsi.com/u/70920095>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۸/۰۳/۱۱)

خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۳۹۸)، «روایتی از اهداف ترکیه در حمله به شمال سوریه»، <https://www.irna.ir/news/83516736>، قابل دسترسی (۱۳۹۸/۰۷/۲۲)

خبرگزاری جمهوری اسلامی عملیات نظامی ترکیه در سوریه از نگاه روزنامه نگاران این کشور، <https://www.irna.ir/news/8351496>، قابل دسترسی (۱۳۹۸/۰۷/۱۸)

خبرگزاری فارس، (۱۳۹۶) رایزن فرهنگی ایران در سوریه در گفت‌وگوی تفصیلی با فارس: تاثیر منفی بحران سوریه برآموزش زبان فارسی/ کالای فرهنگی مناسب مخاطب عرب نداریم، <https://www.farsnews.com/news/13961130001202>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۶/۱۲/۰۲)

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۵) چهار بعد دیپلماسی عمومی ایران، دیپلماسی ایرانی، <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1964728>، تاریخ دسترسی (۱۳۹۵/۰۸/۲۶)

منابع لاتین

Abdel Hameed Mira A. & Mostafa Mohamed Hussein (2018) "Turkish Foreign Policy towards Syria since 2002", Asian Social Science, Vol. 14, No. 2, 2018 ISSN 1911 2017 E-ISSN 1911-2025

Published by Canadian Center of Science and Education.

Aljazeera (2019) "Turkey begins ground offensive in northeastern Syria", at the: <https://www.aljazeera.com/ne>

- [ws/2019/10/turkey-begins-ground-offensive-northeastern-syria-191009212025006.html](https://www.researchgate.net/publication/336120250).
- Bishku, Michael B. (2012) "Turkish-Syrian Relations: A Checkered History", Middle East Policy, Volume 19, Number 3, Fall. Pp. 36- 53
- EKŞİ, Muharrem, Seyfettin EROL, Mehmet (2018) "The Rise and Fall Of Turkish Soft Power and Public Diplomacy", Akademik Bakış, Cilt. 11, Sayı. 23, Kış, pp.15-45.
- Esmailzadeh, Yaser(2014) "Turkeys Foreign Policy towards the Middle East(2002-2013)" , nationalpark-forschung in der schweiz, (switzerland research park journal) vol. 103, no 1.
- Gallarotti, Giulio. (2011) "Soft Power, What It Is, Why It's Important, and the Conditions under Which It Can Be Effectively Used." Division II Faculty Publications, <http://wescholar.wesleyan.edu/div2facpubs/57>.
- Gellbart, Jonathan (2010) " The Iran-Syria Axis A Critical Investigation" Stanford Journal of International Relations, Vol.XLL,No.1,Fall,Pp.36-42.
- Kardas, Saban (2010), "Turkey: Redrawing the Middle East Map or Building a sand castel" Middle East policy, vol17, No 2, pp 118-136.
- Keohane, Robert and Nye, Joseph S. (1998) "Power and Interdependence in the Information Age", in: Foreign Affairs, Vol. 77, No. 5.
- Larrabee, F. Stephen & Nader Alireza (2013) "Turkish-Iranian Relations in a Changing Middle East", RAND National Defense Research Institute.
- Leeuwen Jan van & van Veen Erwin (2019) "Turkey in northwestern Syria: Rebuilding empire at the margins", clingendael Netherlands Institute of International Relations.
- Malone Gifford (1988) "political advocacy and cultural communication: organizing the nation's public diplomacy".lanham,md: university press of America.
- Nye, Joseph.(2004) "Soft Power: The Means to Success in World Politics". New York: Public Affairs, 2004.
- Peters anne (2018) "The Turkish Operation in Afrin (Syria) and the Silence of the Lambs", at the: <http://www.ejiltalk.org>.
- Rahmouni Fatima Zahra (2017) "Securitization and De-securitization: Turkey-Syria Relations since the Syrian Crisis", Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 11:2,27-39, DOI: 10.1080/25765949.2017.12023299.
- Rahmouni, Fatima Zahra (2017) "Securitization and De-securitization: Turkey- Syria Relations since the Syrian Crisis", Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies,Vol. 11, No.2, 27-39.
- Stuart, Hannah(2011) Turkey and the Arab Spring, The Henry Jackson Society, Project for Democratic Geopolitics, <http://www.henryjacksonsociety.org>.

- Tol Gönül & Baskan Birol (2018) "From "hard power" to "soft power" and back again: Turkish foreign policy in the Middle East", Middle-east institute, at the: <https://www.mei.edu>.
- Uzun Sezin & Barghandan Mojtaba (2016) "Public Diplomacy of Turkey and Iran: The Syrian Case", Adnan Menderes University, Journal of Institute of Social Sciences, Vol.4, No.3, pp. 33-42.
- Vuving, Alexander L.(2009) "How Soft Power Works", A paper presented at the panel "Soft Power and Smart Power" American Political Science Association annual meeting, Toronto, Available: www.apcss.org.
- Wilks, Andrew (2019) "Turkish public, politicians voice support for Syria military push" <https://www.aljazeera.com/news/2019/10/turkish-public-politicians-voice-support-syria-military-push-191010135034852.html>, 10 Oct 2019
- Wolf Charles and Brian Rosen (2004) "Public Diplomacy: How to Think about and Improve It", the RAND. www.rand.org.

